



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۸، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۶-۴۶

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان جمهوری اسلامی و دوران پهلوی

سارا سلیمانی آهویی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ سیدمحمود نجاتی حسینی^۲

صادق زیباکلام^۳

چکیده

مطالبات حقوقی و مقایسه وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در قالب کتاب‌ها و مقالات متعددی همواره این دغدغه را مطرح نموده است که چرا در جوامع کمتر توسعه‌یافته در مقابل حضور زنان در عرصه‌های سیاسی مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد و اجازه این بروز و ظهور داده نمی‌شود. شاید بتوان گفت جنسیت و سیاست در بستر گفتمان‌های حاکم با روش تحلیل انتقادی گفتمان مورد بررسی قرار نگرفته و امید است با یافته‌های جدید در این خصوص و شناخت بیشتر از وضعیت زنان و مردان بتوان اکت‌های اجتماعی جدیدی در راستای برابری اجتماعی و سیاسی در ایران پیشنهاد شود. شایان ذکر است بررسی مواردی از اکت‌های سیاسی از جمله حق رأی، حق انتخاب شدن و کاندیداتوری، اخذ پست‌های سیاسی، حضور زنان و نقش‌آفرینی زنان در محیط‌های نظامی و ... در دستور کار این پژوهش قرار داد. این پژوهش از نوع بنیادی و روش کیفی و با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تکنیک تحلیل گفتمان انجام خواهد شد و به دنبال روش و نگرشی خواهیم بود که هم تبیینی برای چگونگی نقش جنسیت در سیاست و هم سازوکارهای لازم برای تحلیل متون مدنظر را در اختیار قرار دهد.

کلمات کلیدی

گفتمان، سیاست، زن، مشارکت، مطالبات

۱- گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sdghssoleimani@gmail.com

۲- گروه علوم اجتماعی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. (نویسنده مسئول) hosseini.jejati@gmail.com

۳- گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. szibakalam@ut.ac.ir

بررسی و شناخت کردارهای سیاسی زنان در گفتمان‌های معاصر و چگونگی اکت‌های سیاسی زنان در دوران اخیر می‌تواند دغدغه‌ای جدید در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی باشد. ظهور و بروز فمینیسم و طرح این ایده که هر چیز شخصی، سیاسی نیز هست و پذیرش عمومی این موضوع و تحولات عظیمی که در نحوه برخورد با قانون، رسانه‌ها و مردم عادی با موضوع جنسیت در بسیاری از کشورها صورت پذیرفته این مسئله را ایجاد می‌کند که مفهوم جنسیت در دوران معاصر ایران چگونه بوده است دورانی که دو مقطع تاریخی متمایز را پشت سر گذاشته است. یکی از ویژگی‌های خاص، دوران پهلوی با آموزه‌های سکولار و دوران جمهوری اسلامی با حاکمیت دین چه تعاریفی نسبت به حضور سیاسی زن یا زنانه کردن سیاست و آموزه‌های فمینیستی داشته است. بررسی این موضوع در قالب گفتمان مدرنیته پهلوی و گفتمان ایدئولوژیک جمهوری اسلامی جنبه جدیدی در خصوص زنانه بودن - شدن سیاست در ایران نشان خواهد داد. مطالبات حقوقی و مقایسه وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در قالب کتاب‌ها و مقالات متعددی همواره این دغدغه را مطرح نموده است که چرا در جوامع کمتر توسعه‌یافته در مقابل حضور زنان در عرصه‌های سیاسی مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد و اجازه این بروز و ظهور داده نمی‌شود. شاید بتوان گفت جنسیت و سیاست در بستر گفتمان‌های حاکم با روش تحلیل انتقادی گفتمان مورد بررسی قرار نگرفته و امید است با یافته‌های جدید در این خصوص و شناخت بیشتر از وضعیت زنان و مردان بتوان اکت‌های اجتماعی جدیدی در راستای برابری اجتماعی و سیاسی در ایران پیشنهاد شود. شایان ذکر است بررسی مواردی از اکت‌های سیاسی از جمله حق رأی، حق انتخاب شدن و کاندیداتوری، اخذ پست‌های سیاسی، حضور زنان و نقش‌آفرینی زنان در محیط‌های نظامی و ... در دستور کار این پژوهش قرار داد و این فاکت‌های سیاسی نیز قطعاً در قالب گفتمان‌های حاکم مفصل‌بندی شده و مفروضات هویتی و رفتاری را جامعه تولید و باز تولید نموده است. با تحلیل گفتمان‌های حاکم بر هرم قدرت ایران در دوران معاصر به دنبال شناسایی موانع برابری جنسیتی زنان در مدیریت سیاسی ایران هستیم، عرصه‌ای که حضور محدود و محدود زنان در سمت‌های سیاسی بروز قابل توجهی می‌یابد و جلوه تاریخی خاصی را منعکس می‌کند. این پژوهش از نوع بنیادی و روش کیفی و با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تکنیک تحلیل گفتمان انجام خواهد شد و به دنبال روش و نگرشی خواهیم بود که هم تبیینی برای چگونگی نقش جنسیت در سیاست و هم سازوکارهای لازم برای تحلیل متون مدنظر را در اختیار قرار دهد. لذا به‌منظور بررسی نسبت سیاست و جنسیت در هرم قدرت جمهوری اسلامی، در پی بررسی کیفیت روابط، فعالیت‌ها و موقعیت‌های زنان و مردان و به طور کلی عامل جنسیت در ساختار قدرت ایران بوده و زنانگی و مردانگی

در ساختار سیاسی معاصر ایران از جمله اهداف این پژوهش می‌باشد که با رویکرد کیفی بدان پرداخته می‌شود. داده‌های اصلی در این نوع تحقیق بر اساس گفتار و گفتمان متولیان و مؤلفان سیاسی در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی است بر اساس مراحل توصیف، تبیین و تفسیر انجام خواهد شد.

چارچوب مفهومی؛ جامعه‌پذیری سیاسی

اجتماعی شدن سیاسی یا جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که به موجب آن افراد نگرش‌های سیاسی مشخصی را فرامی‌گیرند مشارکت سیاسی افراد ارتباط بسیار مهمی با جامعه‌پذیری سیاسی دارد. فرایندی طولانی و پیچیده از شیوه یادگیری زندگی در جامعه. جامعه‌پذیری روندی طولانی دارد که شاید نسل‌ها بر اساس تعاریف خاصی به حیات سیاسی خود ادامه دهند. مایکل راش اجتماعی شدن سیاسی را فرایندی تعریف می‌کند که به‌وسیله آن افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه‌ی قابل‌توجهی ادراکشان از سیاست و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌شود (راش، ۱۳۷۷؛ ۲۰۱). این نیز بدیهی است که دولت‌ها بر اساس گفتمان‌های مسلط خود، نظام‌های معنایی خاصی را در جامعه ایجاد و نسبت به بازنمایی مفاهیم مورد نظر خود تلاش می‌نمایند و بر فرایند جامعه‌پذیری افراد تأثیرگذار خواهند بود. در هر دو سطح جامعه‌پذیری سیاسی می‌توان به مؤلفه‌های جنسیت پرداخت. به همین سبب در نظریه‌های جامعه‌پذیری تفاوت در رفتار و باورهای سیاسی زنان و مردان بر اساس هنجارها و عادات سیاسی کارگزاران تبیین می‌شود. در سطح خرد هنجارها معرفی و تبیین می‌شوند و در سطح کلان برآورد رفتارهای سیاسی سنجیده می‌شود. هرچند به نظر می‌رسد در سطح خرد سنگ بنای نگرش رفتارهای سیاسی جامعه گذاشته می‌شود چرا که نهادهایی مانند آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی، ابزارهای القای نگرش‌های سیاسی حاکم هستند. کودکان در مسیر آموزش به طرق مختلف با آموزه‌های سیاسی سیستم سیاسی حاکم آشنا شده و رشد می‌یابند و برخی دیدگاه‌ها و نگرش‌ها در آن‌ها نهادینه می‌شود و به‌نوعی رفتارها و عادات سیاسی بر اساس ایدئولوژی حاکم بازنمایی و استمرار می‌یابد. نگرش‌های جنسیتی نیز بر همین مبنا شکل می‌گیرند به‌عنوان مثال هنگامی که تلویزیون را روشن می‌کنیم و حین دیدن اخبار تنها مردان را در لباس سیاستمداران می‌بینیم در نگاه اول مردانه بودن سیاست و قدرت القا می‌شود. پس دولت‌ها یکی از تأثیرگذارترین نهادها بر وضعیت زنان هستند؛ زیرا علاوه بر در اختیار داشتن نهادهای تأثیرگذار، با اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای کلی و اجرای آن رویکردها در قالب برنامه‌ها و مصوبات خردتر زندگی زنان و مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مشارکت سیاسی

پس از اشاره‌ای کوتاه بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به مشارکت سیاسی می‌پردازیم که افراد در

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

صورت پذیرش نگرش‌های سیاسی و علاقه‌مندی به فعالیت‌های سیاسی در چه سطح، زمینه و ابعادی می‌توانند فعالیت نمایند. مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است این مفهوم به طور اجتناب‌ناپذیری با جامعه‌پذیری سیاسی رابطه نزدیک دارد (راش، ۱۳۷۷؛ ۷۷). سامویل هانتینگتون و جان نلسون مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کنند: مشارکت سیاسی کوشش‌های شهروندان غیردولتی برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰).

اکت‌های مشارکت سیاسی

به‌هرحال مشارکت سیاسی از جمله اموری است که از سوی محافل روشنفکری بسیار مورد توجه قرار گرفته است و از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه یاد می‌شود به‌گونه‌ای که عدم مشارکت سیاسی و به‌ویژه عدم مشارکت سیاسی زنان به عنوان یکی از نشانه‌های عقب‌ماندگی کشورها عنوان می‌شود و تأکید می‌شود مشارکت سیاسی زنان یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع به‌ویژه جوامع دموکرات استوار بر مشارکت سیاسی برابر زنان و مردان می‌باشد. برابری زنان در کسب قدرت، چه قدرت تأثیرگذاری بر تصمیمات و چه حضور در صحنه قدرت. بر اساس تعاریفی از قدرت سیاسی می‌توان سهم داشتن از قدرت سیاسی یا سهیم شدن در قدرت را کارگزاری یا نمایندگی دولت در زمینه وضع قوانین، اجرای قوانین و تضمین اجرای قوانین دانست و مشارکت سیاسی زنان نیز بر این چارچوب است که زنان و مردان از قدرت سیاسی موجود چقدر سهم دارند و در این رابطه مشارکت سیاسی را مورد توجه قرار داد مایکل راش به همان‌طور که در بالا گفته شد از عدم درگیری در سیاست تا داشتن مقام عالی را برای مشارکت سیاسی مطرح می‌کند که چنانچه بخواهیم رده‌ها یا اکت‌های سیاسی در راستای تبیین مشارکت سیاسی و سهم از قدرت سیاسی پردازیم.

جنسیت

اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیکی میان زن و مرد دلالت دارند، حال آنکه جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است. مفاهیم و تعاریف مربوط به جنس و جنسیت از جمله مسائل مهم در نظریات مربوط به جنسیت می‌باشد. از حیث تاریخی، جنسیت مقوله‌ای است که در نیمه دوم قرن ۲۰، هم‌زمان با نهضت فمینیسم که اغلب به عنوان موج دوم به آن اطلاق می‌شود، ظهور یافت و مورد تحلیل و نقد فرهنگی قرار گرفت و با بروز تفکرات فمینیستی تفاوت میان جنس زیست‌شناسی و جنسیت با دخیل کردن دارای ویژگی فرهنگی به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفت. این انسان‌شناسان بودند که

طی مطالعات و مقایساتشان میان گستره وسیعی از جوامع غیر مدرن تا اواسط قرن ۲۰ برای نخستین بار دریافته‌اند که چگونه نقش‌های جنسیتی در جوامع با یکدیگر متفاوت هستند و اینکه فرهنگ چه نقشی در شکل‌گیری مفروضات موجود در تمام جوامع درباره اینکه چه چیزی به طور طبیعی مردانه یا زنانه است، ایفا می‌کند (مارش، استوکر، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

چارچوب تئوریک و الگوهای تحلیل

چارچوب تئوریک

برای بررسی موضوع جنسیت و سیاست در هرم قدرت ایران در دو بافتار گفتمان‌های پهلوی و جمهوری اسلامی از نظریه گفتمان فوکو در رابطه با قدرت و دانش تشکیل‌دهنده گفتمان و بررسی دانش زمینه تشکیل گفتمان‌های مسلط ایران در دوران معاصر و چگونگی نگرش این گفتمان‌ها به موضوع جنسیت استفاده می‌شود و از سویی با توجه به فرضیه این پژوهش مبنی بر تأثیر فمینیسم غربی در جنسیت زدایی از سیاست در ایران موضوع در چارچوب فمینیسم رادیکال مورد بررسی قرار می‌گیرد این گرایش فمینیستی که سیاست را وارد نظریه فمینیسم نمود و زندگی شخصی را به سیاست پیوند زد و با تکیه بر مفهوم پدر سالاری این وضعیت را به عنوان عامل تاریخی سلطه مردان بر زنان معرفی نمود. با توجه به اینکه پدرسالاری یکی از خرده گفتمان‌های زیرمجموعه گفتمان‌های مسلط ایران است این نظریه می‌تواند ما را در تحلیل موضوع سیاست و جنسیت در ایران یاری نماید. و از سویی با تأکید پژوهش بر اینکه جنسیت یک موضوع فرهنگی است و از طریق نهادهای و ابزارهای گفتمان حاکم همواره مورد بازتولید و بازنمایی قرار می‌گیرد می‌توان به نظریه اجراگری نقش‌های جنسیتی جودیت باتلر منتهی شود. وی تلاش می‌کند تا در تعاریف خود از جنسیت به عاملیت سیاسی برسد (باتلر، ۱۳۸۵: ۳۰). سه نظریه فوق با تأکید بر عاملیت سیاسی بر هویت جنسی و همچنین نگرش انتقادی بر وضع موجود و همچنین تحلیل گفتمانی از نابرابری در نظام سلطه می‌توانند زمینه مناسبی برای این پژوهش فراهم نمایند و نقش‌های جنسیتی مورد تأیید گفتمان‌های حاکم مورد تعریف و تبیین قرار می‌گیرد.

فمینیسم رادیکال

از بین دیدگاه فمینیستی، دو زمینه فکری فمینیسم رادیکال و فمینیسم لیبرال موضوع سیاست و نسبت دولت و حاکمیت را مورد توجه قرار داده‌اند، فمینیست‌های لیبرال دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به دولت و سیاست داشته و به دنبال حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و به ویژه مشارکت در جامعه مدنی برای تأثیرگذاری بیشتر بر سیاست می‌باشد و در نهایت نسبت به دولت به عنوان یک داور

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

بی طرف به نتیجه می‌رسند (رانندال و وایلن، ۲۰۰۲). لیبرال فمینیست ها حکومت دموکراتیک، نظام حقوقی و قضایی حاکم، خانواده هسته‌ای، نظام آموزشی، نظم کاری و حرفه‌ای و همه نهادها و انگاره‌های یک جامعه لیبرال را پذیرفته‌اند و فقط می‌خواستند زنان در این ارزش‌ها و نهادها مشارکت کامل و برابر داشته باشند (پاک‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۱)؛ اما فمینیست های رادیکال معتقدند دولت ذاتاً مردسالار است و منعکس کننده طبیعت سلطه‌پذیری از مرد است؛ بنابراین دولت برای حمایت و دفاع از منافع مرد عمل می‌کند یعنی نهادهای تصمیم‌گیرنده در دولت منافع مردان را تأمین می‌کنند. روابط و نابرابری‌های جنسیتی در دولت‌ها شکل می‌گیرند، از طریق قوانینی که هویت‌های جنسیتی ساخته و به آن‌ها مشروعیت داده می‌شود (رانندال و وایلن، ۲۰۰۲: ۱۹). فمینیسم رادیکال که در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی ظهور کرد به دوگانگی جنسیتی ظالمانه‌ای به عنوان عامل مشترک زیربنای وضع موجود معتقد است.

نظریه اجراگری جنسیتی

و اما جودیت باتلر اندیشمند و فمینیست موج سوم مفهوم جدیدی با عنوان اجراگری را وارد مفاهیم مربوط به جنسیت می‌کند. وی معتقد است که صفات جنسی نه بیانگر بلکه اجراگر هستند پس این صفات هویتی را شکل می‌دهند که گفته می‌شود آن هویت را بیان و آشکار می‌کنند. تمایز میان تجلی و اجرا گری بسیار مهم است. اگر صفات و کنش‌های جنسیتی یا به عبارتی طرق متعددی که بدن به وسیله آن دلالت فرهنگی‌اش را نشان داده یا تولید می‌کند، اجراگرند پس هیچ هویتی از پیش موجود وجود ندارد که یک عمل یا صفت به حساب آن گذارده شود (باتلر، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

نظریه گفتمان فوکو

در ادامه جا دارد نگاهی به دیدگاه فوکو در این رابطه داشته باشیم چرا که این پژوهش با فرض اینکه گفتمان‌های حاکم نقش‌های جنسیتی را تعریف و ایجاد می‌کنند آغاز شده است. فوکو معتقد است وقتی گفته می‌شود که سوژه ساخته می‌شود به سادگی بدین معنی است که سوژه دستاورد یک گفتمان خاص حاکم است که بر مطالبه فهم‌پذیری هویت حکمرانی می‌کند. سوژه با قوانینی که آن را تولید کرده معین و محکوم نمی‌شود چرا که دلالت یک عمل بنیادی نیست بلکه فرایند تنظیمی تکرار است که هم خود را پنهان و هم قواعد خود را به کمک تولید اثرات ذاتی تحمیل می‌کند (باتلر، ۱۳۸۵: ۲۴۸). فوکو حتی تمایلات جنسی را معلول جنس انسان‌ها نمی‌داند بلکه برعکس قایل به وجود گفتمانی از تمایل جنسی است که با ایجاد علتی ساختگی به نام جنس اهداف سیاسی و انضباطی خود را تولید می‌سازد. فوکو توجه ما را به نظام زبان جلب می‌کند که آستانه ورود ذهنیت به عینیت و هم آستانه شکل گرفتن عینیت در ذهنیت است. به نظام‌هایی فکری و معنایی رهنمون می‌کند که موجودیت فکر برحسب گفتمان

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

می‌سازند و راهی که از طریق آن افراد در ارتباط با یکدیگر و دنیایی قرار می‌گیرند که در آن ساکن‌اند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۳). قراردادهای زبانی هستند که منیت‌های جنسی را تولید می‌کند. مناسبات جنسیت با دانش و قدرت در هم تنیده شده‌اند و جنسیت را منظومه‌ای اتفاقی از گفته‌ها، رفتارها و مضامینی می‌داند که در عصر حاضر آدمیان را در حیطه مناسبات قدرت و گفتمان قرار می‌دهد (تاریخ جنسیت، فوکو). سامانه‌های قدرت چگونه مستقیماً به بدن پیوند خورده‌اند، به بدن‌ها، کارکردها، فرایندهای فیزیولوژیک، احساس‌ها و لذت‌ها بای بدون حذف بدن تحلیلی از بدن ارائه کرد که در آن امر زیست‌شناسی و امر تاریخی دنباله یکدیگر نیستند. بلکه بدن‌ها بر مبنای شیوه‌ای که می‌فهمیم شان و به آن‌ها معنا و ارزش می‌دهند مورد ملاحظه قرار می‌دهد سامانه سکسوالیته را بر مبنای تکنیک هتی قدرتی که معاصرش هستند در نظر گرفت. یکی از ویژگی‌های فکری میشل فوکو این است که گفتمانش را در ارتباط با قدرت تعریف می‌کند گفتمان برای او بخشی از ساختار قدرت در درون جامعه است و به نوعی آشکارکننده بازی قدرت و کنش‌های قدرت است که زندگی مردمان را شکل می‌دهد (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۶). مفهوم گفتمان امروزه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاست (مغرب زمین) درآمده و با مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و غیره عجین گشته است (همان، ۱۳۷۹: ۱۰).

گفتمان شبه مدرنیته پهلوی

انقلاب مشروطه نتیجه پیروزی هر چند کوتاه روشنفکران مدرن بود روشنفکرانی که از ایدئولوژی‌های غربی ناسیونالیسم و لیبرالیسم و سوسیالیسم الهام گرفتند و قانون اساسی کاملاً غیردینی مدون کردند و به نوسازی جامعه خود مطابق جوامع اروپایی معاصر امیدوار بودند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۶۵۳) و از آنجا که گفتمان‌های در هر دوره متأثر از عناصر فرهنگی و فکری قبل نیز هستند گفتمان پهلوی نیز بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های مشروطه بود و بدین ترتیب مجموعه پیچیده‌ای از عناصر مختلف از جمله نظریه شاهی ایرانی، پاتریمونالیسم سنتی، گفتمان توسعه، نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی، قانونگرایی و مردم‌گرایی بود و خود در طی زمان ترکیبات بیشتری پیدا کرد. در این گفتمان بر اصلاحات از بالا، عقلانیت مدرنیستی، ناسیونالیسم ایرانی، مرکزیت سیاسی، مدرنیسم فرهنگی، سکولاریسم و توسعه صنعتی تأکید می‌شد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۸)، پیش از آن نیز مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم را سه ابزار کلیدی برای ساختن جامعه‌ای نوین، قدرتمند و توسعه‌یافته به شمار می‌آوردند، مشروطیت سلطنت ارتجاعی را از بین خواهد برد، سکولاریسم نیز محافظه‌کاران روحانی را نابود خواهد کرد و ناسیونالیسم نیز ریشه‌های استثمار کننده امپریالیسم را می‌خشکاند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۸۰).

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

دوران پهلوی: دوران پهلوی که در دو دوره مربوطه به سلطنت رضاشاه و دوره مربوط به محمدرضا شاه قابل توجه است. البته دوره محمدرضا شاه را نیز می‌توان به دو دوره قبل از سال ۱۳۳۳ و بعد از آن تقسیم نمود.

- دوران رضاخان متأثر از اندیشه‌های تجدیدطلبانه دوران مشروطه بود. دورانی که حوادث پیش و پس از انقلاب مشروطه زمینه‌آشنایی برخی زنان را با جنبش زنان در غرب فراهم آورد و در این میان ساختاری شبه جنبش شکل گرفت که بر زیست بهتر زنان و احقاق حقوق زنان تأکید می‌کرد (کوتیانی، ۱۴۰۰: ۳۱) در این دوران زنان نتوانستند فعالیت‌های مستقلی داشته باشند و نشریات و سازمان‌هایی که در دوره مشروطه شکل گرفتند ممنوع‌الکار شدند و زنان نتوانستند فعالیت‌های مستقلی داشته باشند. البته برخی تغییرات ساختاری در راستای مدرن‌سازی با الگوبرداری از کشورهای دیگر اتفاق افتاد که شاید بتوان آن را در درازمدت برای زنان مفید خواند از جمله ایجاد سیستم آموزش و پرورش نوین و آغاز تحصیلات دانشگاهی برای زنان که منجر به تربیت زنانی فرهیخته و آگاه و توانمند گردید ولی ویژگی بارز این دوره وجود اجبارهایی برای زنان بود از جمله اجبار کشف حجاب و نوع پوشش بود که جامعه سنتی آمادگی آن را نداشت و با مخالفت علمای مذهبی نیز روبرو بود به هر حال رضا شاه با صدور فرمانی زنان را مجبور به کشف حجاب کرد و دیدگاه‌های خود درباره زنانگی را تحمیل نمود (بولفون، ۲۰۱۷: ۱). البته مخالفت با حجاب در نشریات زنان در دوران مشروطه بارها مطرح شده بود و می‌توان آن را بخشی از مطالبات زنان دانست که در زمان نامناسب و عدم فراهم شدن زمینه اجرا بر جامعه زنان اجبار گردید. بیشتر مردم ایران اقدام به کشف حجاب را نه آزادی زنان بلکه نوعی سرکوب قلمداد می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۸۰) هر چند رضا شاه به تغییر وضعیت زنان علاقه‌مند بود اما تمایلی نداشت که میدان عمل را برای فعالیت‌های مستقلی که سبب گسترش آرمان زنان می‌شد باز بگذارد (ساناساریان، ۱۰۵) و فعالیت‌های دولتی تنها راه مجاز برای دستیابی به تغییرات بود و در این مرحله زنان درگیر پروژه‌های کنترل‌شده از سوی دولت بودند. اینجا به نظر می‌رسد که رضا شاه می‌خواهد وضعیت زنان را ارتقا بدهد ولی به زنان حق رأی نداد و در عوض تقریباً تمام انجمن‌های زنان را که فعالیت مستقل داشتند را ممنوع اعلام کرد. این رخدادها و تغییرات در جنبش زنان در این دوره جنبش اقلیت زنان بود و آن‌ها نیز نتوانستند پایگاهی در طبقات پایین جامعه برای خود بیابند و وضعیت اجتماعی و فرهنگی و بی‌سوادی همانند دوره قبل همچنان وجود داشت و علی‌رغم تغییرات انجام‌شده در این دوره یکی از عوامل مؤثر تاریخی بر زنان که همان پدرسالاری بود، کم‌رنگ نشد. باوجود انجام تغییراتی در این دوره قانون هنوز هم در امور مهم مردان را برتر می‌دانست (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۱۸۰). بدین‌صورت قدرت از نهاد مذهبی به دولت منتقل

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

شد و مجدداً بر مفهوم پدر سالاری تائید گردید. این دوره را شاید بتوان زمینه شکل‌گیری شخصیت‌های سیاسی زنان دانست که با تحصیل در دانشگاه که توسط رضاشاه تأسیس شده بود به صورت ناخواسته قدرت حاکمه، در حال شکل‌گیری بود که در دوره بعدی شاهد نتایج آن خواهیم بود.

دوره پهلوی دوم: پس از سقوط مصدق فعالیت‌های سیاسی زنان در این دوره در قالب وابستگی به احزاب اصلی بود که پس از سقوط رضا شاه در فضای باز ایجاد شده فعالیت می‌کردند و آنان غالباً شاخه زنان را این احزاب را تشکیل می‌دادند و بیشتر به دنبال آرمان‌های عمومی احزاب بودند تا حقوق زنان و دوم اینکه خط حزبی را دنبال کرده و به همدیگر حمله و یکدیگر را متهم می‌کردند (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۱۵). یکی از اقدامات مهم این دوره برای احقاق حقوق زنان این بود که ائتلافی از گروه‌های مختلف زنان بیانیه‌ای مبنی بر تقاضای حقوق سیاسی و اقتصادی صادر کردند و صدها هزار امضا جمع شد و برای مصدق به عنوان نخست‌وزیر، نمایندگان مجلس و سازمان ملل فرستاده شد که علی‌رغم پیگیری‌ها در لایحه انتخابات درج نشد و تعداد زیادی از روحانیون رده‌بالا مخالفت شدید خود را با آن اعلام کرده و آن را ضد اسلام اعلام کردند (همان، ۱۳۸۴: ۱۱۸) علما با حمایت طلاب و بزرگان اصناف اعتراض کردند که در شرع اسلام حق رأی فقط به مردان داده شده است کاشانی نیز تأکید کرد که دولت باید از دادن حق رأی به زنان جلوگیری کند چرا که آن‌ها باید در خانه بمانند و به وظیفه حقیقی خودشان پرورش فرزند بپردازند. یک نماینده روحانی نیز هشدار داد این موضوع به بی‌ثباتی، فساد مذهبی و هرج‌ومرج اجتماعی خواهد انجامید. هنگامی که طلاب قم برای اعتراض به پیشنهاد حق رأی زنان به خیابان‌ها ریختند یک نفر کشته شد و ۱۰ نفر دیگر نیز به شدت زخمی شدند (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۳۴۰). بعد از سال ۱۳۳۳ در این دوره فارغ از نوع نگرش حاکم بر زنان و همچنین روند فعالیت و مشارکت سیاسی زنان نقطه عطف حقوق سیاسی زنان که همانا دریافت حق رأی بود، صورت گرفت. با اعطای حق رأی به زنان در قالب انقلاب سفید تعدادی از زنان به نمایندگی مجلس انتخاب شدند و گروهی نیز به مقامات بالا از جمله وزارت رسیدند (بابایی راد / حاتم پور، ۱۳۹۰: ۵۱) هر چند شکاف میان جامعه سنتی زنان و جامعه مدرن زنان وجود داشت و همه اقشار زنان فرصت دستیابی به مشارکت سیاسی را نداشتند. در این دوران قوانین در حمایت از زنان به تصویب رسید از جمله قانون حمایت از خانواده، حق طلاق زنان، قوانین حضانت از فرزند، حمایت از زنان در مقابل چندهمسری، قانونی شدن حق سقط جنین و... حق رأی زنان در سال ۱۳۴۱ یکی از موارد ۶ ماده‌ای انقلاب سفید شاه بود که مورد مخالفت علما و رهبران مذهبی قرار گرفت مطالبه‌ای که مزمه‌های آن از سال ۱۲۸۰ آغاز و طرفداران اصلاحات از آن زمان تا به حال خواستار حقوق سیاسی برای زنان بودند. با توجه به مخالفت‌های علمای مذهبی که آن را حرکتی در مقابل اسلام دانسته

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

و به شدت با آن مخالفت می‌کردند، در مقابل اعتراضاتی و اقداماتی از سوی زنان و با حمایت محمدرضا شاه صورت گرفت از جمله اعتصاب عمومی یک‌روزه سازمان‌های زنان که در آن معلمان، کارکنان مؤسسات خصوصی و کارمندان دولت شرکت کردند و نتیجه آن اعطای حق رأی به زنان در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۴۱ بود که به زنان ایران حق رأی و انتخاب شدن داده شده بود (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

سیاست و جنسیت در دوران جمهوری اسلامی

گفتمان جمهوری اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی علمای سنتی به میدان آمدند. تأسیس حکومت دینی یا روحانی و اجرای احکام اسلام از طریق نظام سیاسی در دستور کار بود و بر اساس اندیشه‌های آیت اله خمینی در کتاب ولایت فقیه از نوعی حکمت دینی و اسلامی به رهبری فقها و روحانیون صحبت می‌شد. این گفتمان بر مبنای دال‌های محوری نظریه ولایت فقیه، پاتریمونیا لیسم سنتی، نظریه سیاسی شیعه، دشمنی با مظاهر مختلف تجدد غربی بود که در قوانین مفصل‌بندی گردید. گفتمان سازان، علمایی بودند که از دوران طلایی اسلام الهام گرفتند و پیروزی خود را با طرح و تدوین یک قانون اساسی کاملاً دینی تضمین نمودند. برداشت‌های فقهی نقش اصلی را در نگارش قانون اساسی ایفا نمود و بر همین مبنای حقوق سیاسی زنان در ایران تعریف گردید. جامعه‌ای ایدئولوژیک اهداف انقلاب را پیگیری می‌کردند و حکومت منبعث از آن نیز مفاهیمی عام و جهان‌شمول تعریف می‌کرد که بر هویت‌های افراد بر اساس اصول فقهی و اسلامی تعیین‌های خاصی می‌بخشید. برداشت فقهی رایج، زنان را در موضع حکومت، قضاوت و مرجعیت از باب ولایت انتصابی متصدی نمی‌دانست (بهروزی لک، ۱۳۹۴). رجوع به گذشته و ایجاد ساختارها و تعاریف جدید بر اساس آن و همان‌طور که گفته شد ضدیت با مفاهیم مدرن، گفتمان سنتی را شکل داد و به دنبال آن نیز مفصل‌بندی عناصر مذهبی و سنتی در این گفتمان تعیین‌کننده شد.

زنانگی در سیاست در دوران جمهوری اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی و نقش بی‌بدیل زنان در پیشبرد آن موضوعی قابل تأمل است که چرا زنان با توجه به موقعیتی که در دوره دوم حکومت پهلوی داشتند این‌گونه مجدانه علیه حکومت پهلوی در صحنه حضور یافتند. البته دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد از جمله برخی اصلاحات شتاب‌زده اجتماعی در چارچوب مدرنیزاسیون را باعث افزایش تمایز اجتماعی و شکاف در سطوح پایین جامعه و طبقه بالای جامعه که از این اصلاحات منتفع می‌شدند می‌دانند. این اصلاحات ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی غربی را تشویق می‌کرد و در بین توده‌ها احساس از دست دادن هویت ملی و فرهنگی ایجاد می‌شد. پس

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

از پیروزی انقلاب با کان لم یکن شدن قانون اساسی مشروطه سلطنتی لزوم تدوین قانون اساسی دیگری منطبق با آرمان‌های انقلابی امری اجتناب‌ناپذیر بود و در این راستا به دستور امام خمینی رهبر انقلاب مجلسی به نام مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل شد. انقلابیون پیروز هنگام تنظیم قانون اساسی با اعتقاد به اینکه مهم‌ترین خصیصه انقلاب مکتبی و اسلامی بودن آن است پیروزی خود را مرهون پیروی از مواضع اصیل اسلامی اعلام نمودند. در دوره‌های هشت‌ساله ریاست جمهوری پس از انقلاب زنان مطالبات مختلفی را مطرح می‌کردند. اولین مسائل مطرح شده در حوزه زنان لغو قانون حمایت از خانواده، اجباری شدن حجاب، دخترانه و پسرانه شدن مدارس ممنوعیت قضاوت زنان و گنجاندن واژه رجال در قانون اساسی به عنوان یکی از شروط ریاست جمهوری بود که مورد انتقاد و اعتراض زنان واقع شد؛ و البته یکی از اهدافی که مستمراً و مؤکداً تحت تأثیر شعارهای انقلابی در این دوره مطرح بود مبارزات ضد امپریالیستی بود و بسیاری از نشریات فعالی در این دوره گرایات مارکسیستی و چپ داشتند و مهم‌ترین اهداف آن‌ها نیز کار و دستمزد مساوی، تدابیر اجتماعی برای زنان باردار شاغل، ایجاد مراکز پرورش کودکان، مبارزه علیه فرهنگ استعماری و ارتجاعی که موجب استثمار زنان می‌گردد و تعلیم زنان به ویژه در زمینه حقوق و وظایف آنان بود (سرمدی، ۱۳۹۷: ۳۱). پس از وقفه‌ای ایجاد شده در فعالیت‌ها به دلیل جنگ ایران و عراق فعالیت‌هایی در دوره ریاست جمهوری آیت اله هاشمی رفسنجانی آغاز شد و بعد از یک دوره ۱۰ ساله رکود فعالیت تشکلهای زنان شاهد ظهور حرکت‌هایی در قالب انتشار نشریات، چاپ کتاب‌های متعدد فعالیت در زمینه سازمان‌های مردن نهاد NGO ساخت فیلم‌های زنانه است (سرمدی، ۱۳۹۷: ۸۷) و اهداف صرفاً زنانه بود و به دنبال طرح مسئله زن به عنوان یک مسئله خاص جنسیتی و هویت‌یابی بودند. مطالعات جهانی و ترجمه آثار فمینیستی در این دوره و دهه ۷۰ انجام شد تا خوانندگان را در جریان جنبش جهانی زنان و دیدگاه نظریه‌پردازان فمینیست قرار دهد و به دنبال تعمیق فمینیسم در سطح جامعه و نیز گسترش و تعمیق مباحث فمینیستی و سازمان‌دهی مجدد و طرح مسئله‌ای به نام زن و جنسیت در سطحی گسترده فعالیت خود را آغاز کردند؛ و سپس در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی با تأکید بر توسعه سیاسی و طرح مباحثی مبنی بر اهمیت و توسعه جامعه مدنی فعالیت‌هایی در غالب NGO ها آغاز و زنان نیز به فعالیت در این قالب پرداختند علاوه بر فعالیت زنان از طریق سایت‌های اینترنتی از جمله سایت تربیون فمینیستی و زنستان با تأسیس کتابخانه صدیقه دولت‌آبادی به عنوان اولین کتابخانه غیردولتی تخصصی زنان سال ۱۳۸۲، مرکز فرهنگی زنان نیز از همین سال جایزه‌ای با عنوان تندیس صدیقه دولت‌آبادی به آثار برگزیده در حوزه مطالعات زنان اهدا کرد (همان، ۱۳۹۷: ۱۳۹). انتخاب نام صدیقه دولت‌آبادی برای نام‌گذاری کتابخانه و اهدای تندیس وی نشان از

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

رجوع به فعالیت‌های فمینیستی و استفاده از نام وی که از اولین فمینیستی‌های ایرانی بود، می‌باشد. در دوران محمود احمدی‌نژاد فعالیت‌ها در زمینه اصلاح قوانین و مقررات مدنی به نفع زنان بود چراکه با گذشت زمان و ایجاد یک دوگانگی برای زنان، از یک سو زنان توانسته بودند تحصیلات در مقطع عالی داشته باشند و از سویی جایگاه مورد نیاز خود در عرصه‌های شغلی و... را به دست نیاورده بودند در اینجا به دنبال اصلاح قوانین بودند تا راه را برای حضور بهتر و بیشتر فراهم نمایند. بدین ترتیب کمپین‌های^۱ مختلف برای تغییر قوانین در جهت برابری جنسیتی راه‌اندازی شد و اقدامات بسیاری از سوی زنان برای پیگیری و اخذ نتیجه آن صورت گرفت. انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ در پی وعده‌های تبلیغاتی، امید تازه برای زنان به منظور تحقق مطالبات سیاسی، اجتماعی و... زنان ایجاد کرد که با حضور حداکثری زنان، حسن روحانی به ریاست جمهوری انتخاب شد ولی در این دوره نیز به غیر از موضوع ماده ۱۰۱ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰-۱۳۹۶ بر مبنای تکالیف و مأموریت‌های دستگاه‌های اجرایی مبنی بر پیگیری شاخص‌های عدالت جنستی و تصویب‌نامه شماره ۱۳۵۱۸۲۴ مورخ ۹۶/۵/۳۰ مبنی بر پیگیری تخصیص ۲۵٪ از پست‌های مدیریتی به زنان تا پایان برنامه ششم توسعه اقدامی صوت نگرفت. در ایران معاصر دولت‌ها طی دو گفتمان عمده حاکمیت داشته و هر کدام از خرده گفتمان‌هایی تشکیل شده‌اند که به صورت جدی رابطه جنسیت و سیاست را صورت‌بندی نموده‌اند. ابتدا گفتمان مدرنیسم پهلوی و سپس به خرده گفتمان‌های تشکیل دهنده گفتمان جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد. نظریه پدر شاهی ایرانی، پاتریمونیالیسم ایرانی، مدرنیسم فرهنگی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و توسعه صنعتی، همه از جمله خرده گفتمان‌های تشکیل دهنده گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی می‌باشد که در معنای واقعی خود می‌بایست شرایط مناسبی را برای زنان ایجاد نماید ولی در جامعه سنتی ایران این موضوع به نتیجه دلخواه نرسید. البته اصلاحات اجتماعی و شاید سیاسی برخاسته از انقلاب سفید حضور کما بیش جدی زنان در عرصه اجتماعی ایران بود. در این دوره شاهد حضور جدی زنان در مراکز آموزشی و مراکز آموزش عالی و شرکت مؤثر و فعال آن‌ها در جنبش‌های چریکی و مبارزات اجتماعی تا آستانه انقلاب همگی مؤید تأثیرگذاری آنان در حیات اجتماعی ایران جدید بود (قلفی، ۱۳۸۴؛ ۲۴) و اما عناصر تشکیل دهنده این گفتمان چگونه رابطه جنسیت در سیاست را تبیین می‌کند. در گفتمان جمهوری اسلامی ایران گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک دو گرایش عمده درون خود داشت یکی گرایش کاربزمایی و پوپولیستی که در سال‌های اولیه پس از انقلاب غالب بود و دیگری گرایش محافظه‌کارانه و سنتی‌تر که پس از آن شکل گرفت. در واقع گرایش اول موجب احیا و تجدید سنت‌گرایی به عنوان ایدئولوژی مسلط در مقابل ایدئولوژی‌های مدرن گردید و بر طبق این دو گرایش

زندگی و کردارهای سیاسی در درون گفتمان سنت‌گرای ایدئولوژیک تعین خاصی یافت (بشیریه، ۱۳۸۲؛ ۷۰). در سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلام سیاسی از جریان‌های اصلی سیاسی بود که به ویژه پس از انقلاب عرصه سیاسی را به دست گرفت اصطلاح اسلام سیاسی اصطلاح جدیدی است که بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند؛ که شاید بیشترین تأثیر را از این تغییرات حقوق سیاسی زنان داشته است. از بین خرده گفتمان‌های تشکیل‌دهنده گفتمان اصلی جمهوری اسلامی از جمله ولایت‌فقیه و فقه اسلامی، پاتریمونالیسم سنتی، نظریه سیاسی شیعه، دشمنی با مظاهر غربی و تجدد، فقه اسلامی و ولایت‌فقیه مهم‌ترین نقش را در تعاریف جنسیتی در سیاست داشته است در گفتمان جمهوری اسلامی در قالب ولایت‌فقیه و تسلط فقها این دیدگاه وجود دارد که امروز در جامعه ایران فقه در همه شئون زندگی مردم دخالت دارد. حوزه حضور فقه چنان گسترده است که از یک سو مهم‌ترین حوزه‌های اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر ساده‌ترین و شخصی‌ترین امور را در بر می‌گیرد (وسمقی، ۱۳۸۷؛ ۷). اعتقاد به حاکمیت فقه و فقیه هم سنگ اعتقاد به اصولی مانند امامت، نبوت، معاد و توحید دانسته می‌شود تا آنجا که بدون این اعتقاد نمی‌توان در حوزه‌های مهم سیاسی و اجتماعی حضور داشت حتی عدم اعتقاد به این اصل، عدم اعتقاد به اسلام به شمار نیز می‌رود.

یافته‌ها و نتایج

در هر دوره ما شاهد ایجاد هنجارهایی برای تولید این اعمال گفتمانی برای معرفی هویت جنسیتی و بازتولید آن بوده این وجود هنجارهای گفتمانی در ساختار سیاسی به صورت بسیار جدی بازتولید می‌شوند تا اجازه بروز و ظهور خرده گفتمان‌های هویت‌بخش ندهد و شاید زمینه تأثیر دوطرفه را ندهند شاید به نظر برسد که گفتمان فرایندی آزاد از صورت‌بندی است اما ایدئولوژی حاکم با بازنمایی هنجارها مانع این تغییر و سیاست می‌شود که این ایدئولوژی‌ها علاوه بر اینکه در ظاهر و محتوی دیده می‌شوند غالباً در متن‌ها نیز نهفته هستند. تکیه بر مفهوم دانش زمینه‌ای پذیرش یک الگوی تبیینی موضعی و هدف محور است و عمل‌های گفتمانی بالفعل به‌وسیله قراردادهای اجتماعی و هنجارها و تاریخ مقید می‌شوند. با توجه به منابع بررسی‌شده به نظر می‌رسد که نوع رابطه بین جنسیت و سیاست و فرایند تعیین‌کنندگی صورت‌بندی اجتماعی و نهاد اجتماعی و کنش اجتماعی در دوران پهلوی فرایندی نسبتاً مکانیکی می‌باشد. تحولات مربوط به جنسیت و سیاست به‌نوعی دستوری در قالب بروز و معرفی مدرنیته انجام‌شده است اما پس از انقلاب و در گفتمان جمهوری اسلامی به‌نوعی شاهد رابطه دیالکتیکی نسبی هستیم و زنان در سطح کنش اجتماعی توانستند دگرگونی‌های در صورت‌بندی اجتماعی رابطه جنسیت و سیاست ایجاد

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

نمایند. در گفتمان جمهوری اسلامی متن‌ها غالباً دارای هژمونی هستند که به دنبال تبعیت از الگوی ایجاد شده خود و صرفاً با قصد اعمال سلطه بر گروه‌های فرودست و زنان است و برای جلب رضایت و پوشش زیبا و قابل‌پذیرش آن‌ها را مؤثر بر خانواده و جامعه می‌دانند و به‌نوعی این را در قالب حق انتخاب و اختیار می‌آورد و این‌گونه اعمال قدرت و فضای جنسیتی را حاکم و زنان را از عرصه قدرت دور و یا حذف می‌کند. این کار از رهگذر گفتمان، ایدئولوژی، ایجاد نظم‌های موقعیتی گفتمان انجام می‌شود و هژمونی غالب را فراهم کند. رابطه میان جنسیت و سیاست در ایران همواره دارای تناقض‌هایی بوده است. یعنی آنجا که کاربردهای گفتمانی جنسیت - محور تحت تأثیر تناقض‌های موجود میان جایگاه‌های فاعلی سنتی مربوط به جنسیت که ما در چارچوب آن‌ها اجتماعی شده‌ایم و تحت تأثیر روابط جنسیتی جدید که در گفتمان مدرن به دنبال تعمیق آن بوده‌اند دچار تناقضاتی آشکار و پنهانی هستند آن چه قابل توجه است این است که همواره قوانین و نگاه تئوریک منعی بر حضور زنان در ساختار قدرت نداشته است ولی در عمل بر اساس هژمونی ایدئولوژیک حاکم بر متن و قالب‌های ایجاد شده نقش جدی و شاخص، هر چند از برابری هم که سخنی نگوییم، وجود ندارد و اینکه در نظر عوام این الگویی پذیرفته و درونی شده است. در گفتمان پهلوی از اعمال محدودیت‌های غیرمستقیم استفاده می‌شود. در ظاهر گفتمان مبتنی بر برابری است اما در عمل و متن نابرابری دیده می‌شود. در هر دو متون مورد بررسی واژگان دارای بار جنسیتی هستند و روابط حوزه قدرت را تعیین می‌کنند. عبارت‌های مسلط بر هویت‌های اجتماعی رویکردی چپ‌گرایانه با استفاده از واژه‌های احساسی و انگیزاننده دارند، نحوه هم‌آیی و هم‌نشینی کلمات همواره ایدئولوژی خاصی به متن می‌دهد. گاهاً با عبارت‌بندی‌های افراطی روبرو هستیم و شمار زیادی از واژگان هم معنا نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت گفتمانی و نشان‌گر کانون مبارزه ایدئولوژیک است و به دنبال معرفی روابط معنایی و اشتراک و الغای ارزش‌ها به مخاطبین است. گفتمان‌ها محدودیت‌های خاصی را بر محتوا، فاعلان و روابط و نیز بر معناها، تجربی، بیانی و رابطه‌ای اعمال می‌کنند که این ویژگی در هر دو گفتمان مورد بررسی وجود داشت که باعث طبیعی جلوه دادن برخی از نظرات ایدئولوژیک خاص است در گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی گاهاً زن به عنوان یک موجود مادون بشری تعریف شده است. و جان‌مایه متون به دنبال معرفی زن خوب است و تصویر ذهنی از یک زن خوب ارائه می‌دهد که این امر در گفتمان پهلوی مرد خوب را مدنظر نداشته ولی در گفتمان‌های جمهوری اسلامی گاهاً ویژگی‌هایی برای مرد مسلمان انقلابی تصویر می‌کنند. گفتمان پهلوی بدون نگرش فراگیر و جامع بر مفهوم مورد نظر خود که همان مدرنیزاسیون و تقابل با سنت بود پافشاری کرد و گرفتار تصلب معنایی و جزم‌اندیشی غیرعقلانی شد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تکنیک تحلیل گفتمان انجام خواهد شد و به دنبال روش و نگرشی خواهیم بود که هم تبیینی برای چگونگی نقش زنان در سیاست و هم سازوکارهای لازم برای تحلیل متون مدنظر را در اختیار قرار دهد. این گفتمان‌ها هستند که بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته‌شده و چیزهایی هستند که ناگفته باقی‌مانده است. علاوه بر این آن‌ها درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند بلکه سازنده‌ی موضوعات هستند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱). بدین ترتیب برای رسیدن به نسبت جنسیت و سیاست گفتمان‌های حاکم بر ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش اسناد رسمی و متون گفتمانی هر یک از این دوره‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت از جمله سندها و داده‌هایی مانند قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی و برنامه‌های عمرانی و توسعه دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی و برخی متون دیگر از جمله سندهای رسمی مورد اعمال در سیاست مانند قانون انتخابات و همچنین برخی بیانات مکتوب محمدرضا پهلوی، بیانات رهبر فقید انقلاب ۵۷ آیت اله خمینی و همچنین آیت اله خامنه‌ای رهبر فعلی جمهوری اسلامی. برخی اظهارات مکتوب و رسانه‌ای شده برخی مقامات سیاسی فقهی مؤثر و فتاوا هم مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و نگاهی هم به ادبیات فمینیستی ایرانی اسلامی کنونی خواهیم داشت که این اسناد به عنوان جامعه آماری و منابع جمعیت نمونه معرفی می‌شوند.

مکان و زمان پژوهش

ساختار سیاسی دوران معاصر ایران با عنوان هرم قدرت ایران به‌منظور بررسی نسبت جنسیت و سیاست مورد نظر است. این پژوهش صرفاً به موضوع جنسیت و سیاست در ایران می‌پردازد و دوره زمانی نیز دوران پادشاهی پهلوی و پس از انقلاب، دوران جمهوری اسلامی است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی

۱- نسبت سیاست و جنسیت در گفتمان شبه مدرنیته پهلوی با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده (نظریه شاهی ایرانی، پاتریمونالیسم و وجه مقابل آن توسعه و نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی و تأکید بر

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیباکلام

اصلاحات از بالا، عقلانیت مدرنیستی، ناسیونالیسم ایرانی و مدرنیسم فرهنگی و سکولاریسم و توسعه صنعتی) مفصل‌بندی شده است که به عنوان آستانگی زنانه شدن سیاست در ایران تبیین می‌شود.

۲- نسبت جنسیت و سیاست در گفتمان سنتی فقه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی متأثر از عناصر نظریه سیاسی شیعه، پاتریمونیالیسم سنتی و دشمنی با مظاهر مختلف تجدد غربی از جمله پلورالیسم، جامعه مدنی و لیبرالیسم و سنت روشنگری غرب مفصل‌بندی شده است و می‌توان گفت این نسبت بر اساس گفتمان حاکم در راستای زنانه زدایی از سیاست مفصل‌بندی شده است.

فرضیه‌های فرعی

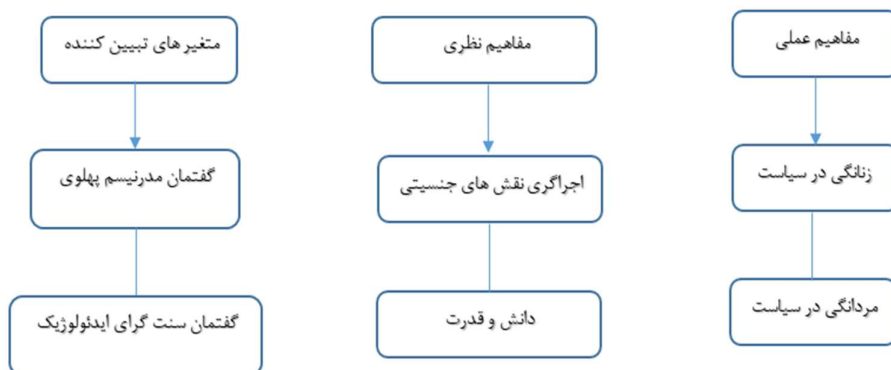
۱- نسبت سیاست و جنسیت در هرم قدرت ایران با دانش سازنده گفتمان‌های حاکم و با تأثیر پذیرفتن از جنبش‌های فمینیستی در ایران (غربی، ایرانی و اسلامی) در مسیر جنسیت زدایی از سیاست قرار دارد.

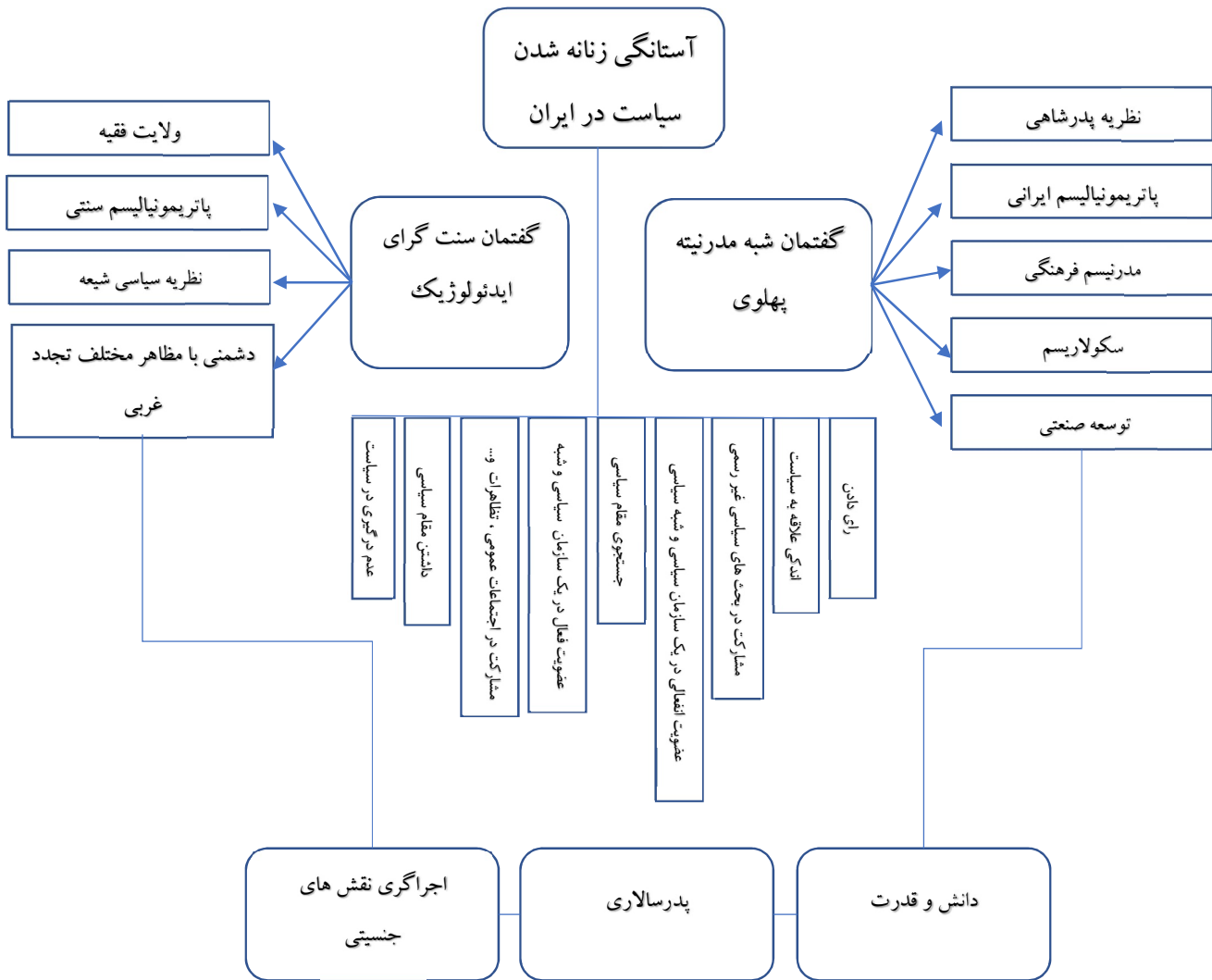
۲- تئوری فمینیسم و فعالیت‌های فمینیستی در ایران توانسته است بر رابطه سیاست و جنسیت و تعاریف و تبیین نقش‌های جنسیتی تأثیرگذار باشد.

۳- گفتمان‌های سیاسی حاکم بر ایران در مسیر نیل به برابری جنسیتی در قالب تئوری‌های فمینیسم قرار نداشته و منجر به طرح و بیان جدیدی از برابری جنسیتی گردیده است.

مفهوم: آستانگی زنانه شدن سیاست در ایران: خلق هویت زنانه در فرایندهای سیاسی و بازتفسیر هنجارهای سیاسی در به چالش کشیدن برساخته‌های مردانه و اراده برداشتی جدید از زنانگی یا امر زنانه، جایگاه، نقش و حقوق زنان در گستره سیاسی.

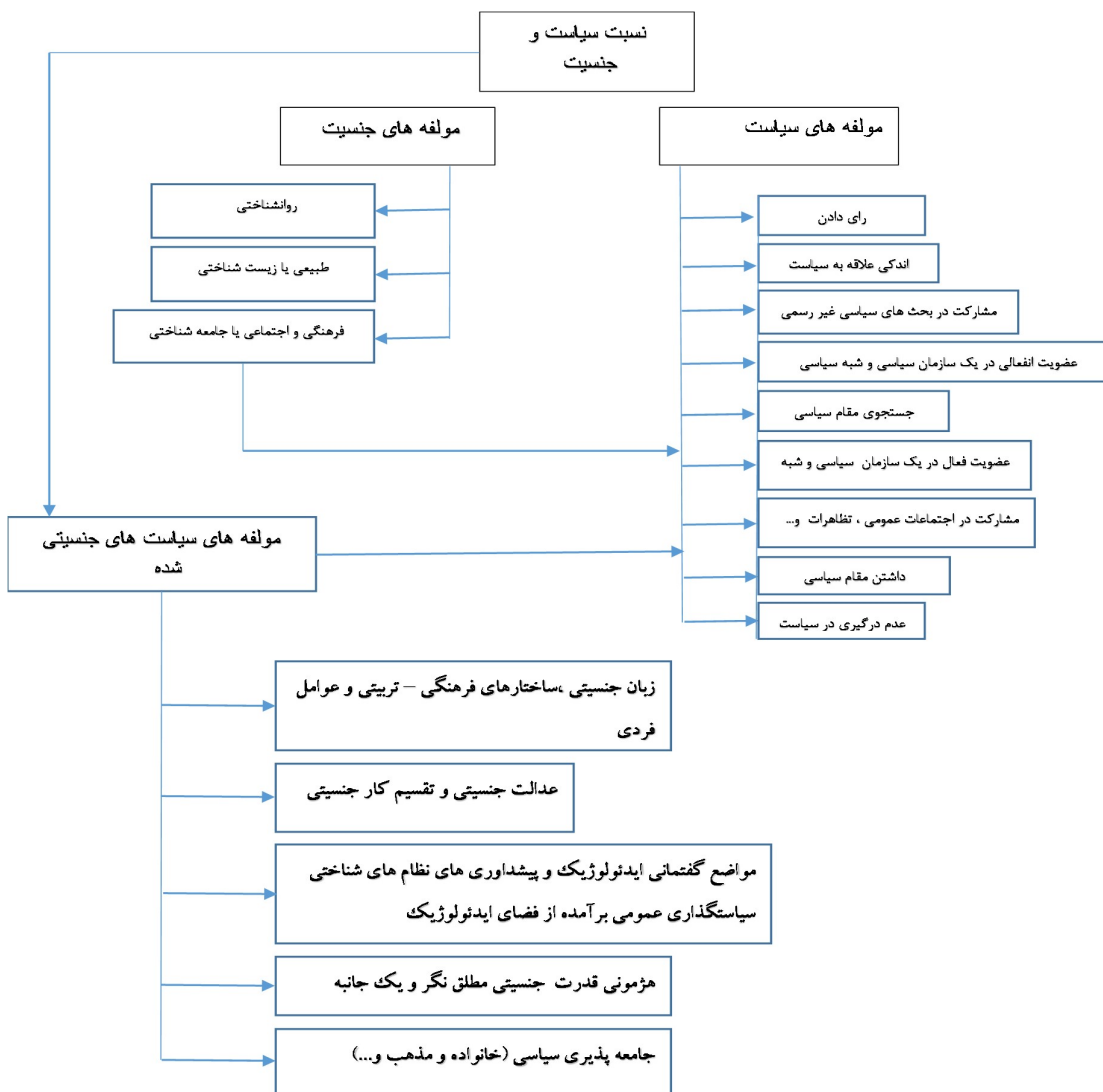
مدل مفهومی متغیرها:





مدل تحلیل شماره ۱

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان... / سلیمانی آهویی، نجاتی حسینی و زیباکلام



مدل تحلیلی (شماره ۲): الگوی نظری پژوهش



مدل تحلیلی (شماره ۳): الگوی تجربی پژوهش

تحلیل انتقادی رابطه جنسیت و سیاست در گفتمان.../سلیمانی آهوئی، نجاتی حسینی و زیبا کلام

منابع

- ۱) آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۷). ایران بین دو انقلاب (احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی) چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر نی.
- ۲) بهروزی لک، غلامرضا؛ شریف پور، مریم. (۱۳۹۴). بررسی مبانی فقهی حقوق سیاسی زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. دوره ۶، شماره ۱۱، ۱۷-۳۴.
- ۳) بابایی راد، بیتا؛ حاتم پور، شبنم. (۱۳۸۹). زن و تحولات سیاسی از قرن ۷ تا پایان دوره پهلوی. زن و فرهنگ، دوره ۲، شماره ۶.
- ۴) بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۵) باتلر، جودیت. (۱۳۸۵) آشفتگی جنسیتی (امین قضایی) تهران: نشر مجله شعر.
- ۶) پاک نیا، محبوبه. (۱۳۸۸). فمینیسم و سیاست. مطالعات زنان، شماره ۴
- ۷) چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۴۰۰). تغییرات ارزشی خانواده و نقش آنها در کاهش باروری در خانواده ایرانی، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۲.
- ۸) راش، مایکل. (۱۳۷۷). جامعه و سیاست مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی (منوچهر صبوری) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها - سمت.
- ۹) ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران (نوشین احمدی خراسانی) چاپ اول، تهران: نشر اختران
- ۱۰) سרمدی، پرستو. (۱۳۹۷). زنان و دولت، پس از انقلاب، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- ۱۱) عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰) گفتمان و جامعه ف چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۱۲) فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان (فاطمه شایسته پیران و...). چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ۱۳) قلفی، محمدوحید. (۱۳۸۱). توسعه انسانی و توانمندسازی زنان در ایران.
- ۱۴) مارش، دیوید - استوکر، جری. (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی (امیر محمد حاجی یوسفی) چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۵) مصفا، نسرین. (۱۳۷۵). تعهد دولت ها بر ایجاد برابری جنسیتی در آموزش. مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۴.
- ۱۶) وسمقی، صدیقه. (۱۳۸۷). صورتگر چهره زن مسلمان. شماره ۱۵.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

17) Randall, V., & Waylen, G. (Eds.). (1998). *Gender, politics and the state* (p. 185). London: Routledge.

یادداشت‌ها :

1 Randall&waylen
2 Bolfone